

جایگاه حقوق بشر در سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران

علیرضا ثمودی پیلرود*

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۰۹ - تاریخ تأیید: ۹۷/۱۱/۱۴

DOI: 10.22096/HR.2019.102929.1091

چکیده

اتحادیه اروپا یکی از کنشگران تاثیرگذار در حوزه روابط بین‌الملل است که در دوران پس از جنگ سرد توانسته است با تدوین سیاست خارجی و امنیتی مشترک در پیمان ماستریخت (۱۹۹۲) نقش فعال‌تری در موضوع‌های بین‌المللی ایفا کند. این اتحادیه با توجه به ضعف‌های جدی در حوزه مسائل امنیتی و دفاعی تلاش کرده است با استفاده از قدرت هنجاری خود به دنبال افزایش اثرگذاری خود در حوزه‌های موضوعی و البته مناطق جغرافیایی خاص باشد. حقوق بشر و تلاش برای ارتقای دموکراسی در کشورهای مختلف یکی از ابزارهای اصلی اتحادیه اروپا در پیشبرد سیاست‌های مورد نظر خود است. همچنین این اتحادیه همواره یکی از مهم‌ترین شریک‌های تجاری جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته بوده است. با این حال، برخی مسائل و تحولات موجب شده است تا روابط تهران-بروکسل در برخی مقاطع به شدت دچار تنش شود. تروریسم، حقوق بشر، سلاح‌های کشتار جمعی و منازعه اعراب و اسرائیل چهار حوزه موضوعی اختلافی میان تهران و بروکسل است. در مقاله پیش رو تلاش می‌شود به این پرسش، پاسخ داده شود که موضوع حقوق بشر از چه جایگاهی در روابط میان اتحادیه اروپا برخوردار بوده است. همچنین این فرضیه مطرح شده است که اتحادیه اروپا با توجه به رویکرد هنجاری خود به دنبال ارتقای سطح حقوق بشر و دموکراسی در ایران بوده است، اما در مقاطع مختلف همواره موضوع امنیت بر حقوق بشر اولویت داده شده است.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا؛ قدرت هنجاری؛ حقوق بشر؛ ج ا ایران؛ امنیت.

مقدمه

روابط ایران و اروپا دارای قدمتی هزار و پانصد ساله است و عوامل مختلف جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و نظامی موجب همگرایی و واگرایی این دو بازیگر در برهه‌های مختلف تاریخی شده است. ایران به دلیل برخورداری از وضعیت بسیار مناسب به لحاظ ژئوپلیتیکی همواره مورد توجه کشورهای قدرتمند اروپایی قرار داشته است. در دوره پیش از انقلاب به خاطر نوع نگاه رژیم گذشته به مجموعه بلوک غرب، روابط سیاسی و اقتصادی دو طرف گسترش قابل ملاحظه‌ای داشت و ایران یکی از نخستین کشورهای بود که با امضای موافقتنامه تجاری با جامعه اروپا در سال ۱۹۶۳ روابط نهادی با آن برقرار کرد. پس از وقوع انقلاب اسلامی و به دلیل بروز مسائلی همچون بحران گروگان‌گیری، جنگ عراق و ایران، ماجرای دادگاه میکونوس و برنامه هسته‌ای ایران، روابط تهران و بروکسل با فراز و نشیب‌های فراوانی رو به رو شده است. نیاز ایران به انتقال سرمایه و فناوری و نیاز اروپا به انرژی و بازار ایران موجب گسترش روابط تجاری و اقتصادی دو طرف در سال‌های گذشته شده است. با وجود فراز و نشیب‌های زیاد در روابط تهران-بروکسل پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تداوم روابط- البته تا پیش از مطرح شدن برنامه هسته‌ای ایران و صدور قطعنامه‌های سازمان ملل متحد- بیانگر وجود نوعی بینش تاریخی در روابط دو طرف است.

رابطه ایران با تک تک کشورهای اروپایی به صورت جزئی و با جامعه اروپایی به صورت کلان در دوران جنگ سرد بیشتر در حوزه‌های اقتصادی و در چارچوب مبادله‌های اقتصادی با جامعه اقتصادی اروپا تعریف می‌شد و ابعاد راهبردی آن به ایالات متحده واگذار شده بود. پس از پایان جنگ سرد و تصویب پیمان ماستریخت و تبدیل جامعه اروپا به اتحادیه اروپا و بهره‌مند شدن این اتحادیه از یک سیاست خارجی و امنیتی مشترک، بروکسل در مقایسه با گذشته با حساسیت بیشتری، مسائل سیاسی و امنیتی را در روابط خود با ایران مورد توجه قرار داد. می‌توان گفت برنامه هسته‌ای نقطه عطفی در روابط ایران و اروپا پس از انقلاب محسوب می‌شود که فضای متفاوتی به روابط دو طرف بخشیده است. اگر چه ایران با کشورهای اروپایی در چهار حوزه تروریسم، منازعه اعراب و اسرائیل، حقوق بشر و سلاح‌های کشتار جمعی در مقاطع مختلف دچار اختلاف نظر جدی بوده است، اما در مجموع دو موضوع حقوق بشر و برنامه هسته‌ای ایران بیشترین تاثیر را بر روابط بروکسل-تهران بر جای گذاشته است. با این حال در دوگانه امنیت و حقوق بشر، موضوع برنامه

هسته‌ای ایران که توسط کشورهای غربی به موضوعی امنیتی تبدیل شده است، در بیشتر مواقع موضوع‌های حقوق بشری را تحت تاثیر خود قرار داده و آن را به حاشیه برده است.

در این مقاله تلاش می‌شود با استفاده از مفاهیم قدرت هنجاری به عنوان چارچوب نظری، در ابتدا به جایگاه حقوق بشر در اسناد و پیمان‌های اروپایی اشاره شود و سپس زمینه‌های همکاری و اختلاف میان اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران در حوزه حقوق بشر و تاثیر موضوع امنیت بر رویکرد حقوق بشری اتحادیه در قبال ایران مورد بررسی قرار گیرد.

چارچوب نظری: قدرت هنجاری

اگرچه نقش و جایگاه اتحادیه اروپا پس از جنگ سرد تغییراتی یافته است، اما در این مورد میان صاحب‌نظران اجماعی وجود ندارد. برخی اروپا را فاقد قدرت و توانایی برای ایفای نقش در روابط بین‌الملل می‌دانند و به قدرت نرم آن با دیده تردید و حتی منفی می‌نگرند. برخی دیگر قدرت هنجاری و ارزشی اتحادیه اروپا را نیروی موثر در صحنه جهانی می‌دانند. به عنوان مثال، فرانسوا دوچن (Francois Duchene) به قدرت هنجاری جامعه اروپا به عنوان یک نیروی هنجاری، علاقه‌مند بود و اعتقاد داشت که این قدرت هنجاری با باورهای رهبران اولیه و بنیان‌گذاران اتحادیه اروپا شروع شده و به شیوه‌های مختلف ادامه یافته است. دوچن در دهه ۷۰ جامعه اروپایی را یک قدرت مدنی (Civilian Power) می‌دانست. این مفهوم بازتاب‌دهنده قدرت اقتصادی اروپا و عدم برخورداری از قدرت نظامی بود.^۱ ارائه مفهوم قدرت نرم (Soft Power) توسط جوزف نای (Joseph Nye) یک چارچوب مفید دیگر در مورد کنشگری اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل در اختیار ما قرار می‌دهد. نای ایده قدرت نرم را در واکنش به تاکید و استفاده بیش از حد و خطرناک از قدرت سخت در سیاست خارجی آمریکا مطرح کرد. قدرت سخت دربرگیرنده اجبار و زور از قبیل تحریم‌های اقتصادی یا تهدید به استفاده از قدرت نظامی است. در مقابل، قدرت نرم «توانایی به دست آوردن خواسته‌های خود از طریق جذب و نه اجبار است». این قدرت نرم از سیاست‌ها، آرمان‌های سیاسی و فرهنگ یک کنشگر ناشی می‌شود. زمانی که سیاست‌های یک کنشگر از نظر دیگران مشروع جلوه کند، قدرت نرم آن کنشگر ارتقا پیدا می‌کند. از نظر نای، در حالی که ممکن

1. See: Cottey, 2014: 91.

است اتحادیه اروپا ویژگی‌های قدرت سخت یا یک قدرت بزرگ سنتی را نداشته باشد، اما ویژگی‌های بارز قدرت نرم را دارد. فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و نظام‌های اجتماعی-اقتصادی، نقش اتحادیه اروپا به عنوان الگوی همکاری منطقه‌ای و همگرایی، همگی بیانگر آن است که اتحادیه اروپا دارای ویژگی‌های قدرت نرم است. «مفهوم قدرت نرم نای با ایده قدرت هنجاری و قدرت مدنی همپوشانی دارد» (Cottey, 2014: 91-92) دورنمای همکاری و تعامل اقتصادی هم برای قدرت نرم و هم قدرت مدنی، موضوعی محوری برای قدرت نرم و قدرت هنجاری است.

ایده اروپا به مثابه یک قدرت هنجاری به دنبال معرفی ابعاد دیگری از قدرت اتحادیه اروپا است. یان منرز (Ian Manners) نظریه‌پرداز اصلی قدرت هنجاری اتحادیه اروپا در نوشته‌های خود اتحادیه اروپا را به عنوان یک بازیگر هنجاری معرفی کرد و عبارت «قدرت هنجاری» را برای توصیف اثرگذاری این بازیگر در عرصه بین‌الملل به کار برد. وی این اتحادیه را به عنوان بازیگری متمایل به شکل دهی، القا، نشر و هنجاری نمودن قواعد و ارزش‌ها در امور بین‌المللی از طریق ابزارهای مسالمت‌آمیز توصیف می‌کند. از نظر منرز، اتحادیه اروپا برای تحقق این هدف از پنج معیار اصلی صلح، آزادی، دموکراسی، حکومت قانون و احترام به حقوق بشر و چهار معیار فرعی همبستگی اجتماعی، توسعه پایدار، حکمرانی خوب و عدم تبعیض پیروی می‌کند. منرز بر این باور است که این ویژگی‌ها از بافت تاریخی که اتحادیه اروپا در آن شکل گرفته است، سیاست چند وجهی اتحادیه و در نهایت از مبانی سیاسی و حقوقی قوانین و معاهدات اتحادیه اروپا، نشأت گرفته است.^۱ می‌توان قدرت هنجاری را این‌گونه تعریف کرد: «هویتی که به یک موجودیت سیاسی نسبت داده می‌شود و این موجودیت سیاسی به دنبال اشاعه هنجارهای خود در نظام بین‌الملل است.» (Dezutter 2010, : 1107) در واقع، اروپای قدرت هنجاری ضرورتاً مرتبط با انتشار غیر اجباری به اصطلاح هنجارهای جهان شمول از جمله حقوق بشر دموکراسی و حاکمیت قانون است.

اتحادیه اروپا همچنین به شش طریق هنجارهای خود را ترویج می‌کند:

۱. سرایت (Contagion) که در واقع ترویج و انتشار هنجارهای ناشی از ترویج ایده‌ها از سوی اتحادیه اروپا به سایر کنشگران است؛
۲. انتشار اطلاعات (Information Diffusion) که نتیجه به‌کارگیری طیفی از ارتباطات راهبردی و ارتباطات اعلامی است؛
۳. انتشار رویه‌ها که متضمن

1. See: Manners, 2002: 241.

جایگاه حقوق بشر در سیاست خارجی اتحادیه اروپا / ثمودی ۷۷

نهادینه شدن یک رابطه میان اتحادیه اروپا و طرف ثالث، عضویت در یک سازمان بین‌المللی و گسترش اتحادیه اروپاست؛ ۴. انتقال (Transference) که اتحادیه اروپا با تبادل کالا، تجارت، کمک‌های مالی یا کمک‌های فنی با طرف‌های ثالث از طریق ابزارهای مالی ارزش‌های مورد نظر خود را منتقل می‌کند؛ ۵. انتشار آشکار (Overt Diffusion) نیز در نتیجه حضور فیزیکی اتحادیه اروپا در دولت‌های ثالث و سازمان‌های بین‌المللی اتفاق می‌افتد و ۶. صافی فرهنگی هم بر هنجارهای بین‌المللی و یادگیری سیاسی مؤثر در دولت‌های ثالث و سازمان‌ها اثر می‌گذارد و به یادگیری، انطباق‌پذیری و مقاومت در برابر هنجارها منتهی می‌شود. اتحادیه اروپا به ویژه در بخش سرایت، انتشار رویه‌ها و انتقال موفق‌تر عمل کرده است.^۱ بر اساس آنچه اشاره شد، اتحادیه اروپا با بهره‌گیری از برخی برنامه‌ها و ابزارهای سیاسی به دنبال ترویج هنجارهای مورد نظر خود در کشورهای مختلف است که در بخش‌های بعدی مورد اشاره قرار می‌گیرد. قدرت هنجاری اتحادیه اروپا را می‌توان در جدول زیر جمع‌بندی کرد.

مبنای هنجاری اتحادیه اروپا^۲

مبانی بنیادین	وظایف و اهداف	نهادهای باثبات	حقوق بنیادین
آزادی	انسجام اجتماعی	تضمین دموکراسی	کرامت انسانی
دموکراسی	مبارزه با تبعیض	حاکمیت قانون	آزادی‌ها
رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین	توسعه پایدار	حقوق بشر	برابری
حاکمیت قانون	اجرای حاکمیت قانون	حمایت از اقلیت‌ها	همبستگی شهروندان
مندرج در ماده ۶ پیمان اتحادیه اروپا	مندرج در ماده ۲ پیمان جامعه اروپا و پیمان اتحادیه اروپا و ماده ۶ و ۱۳ پیمان جامعه اروپا	معیارهای کپنهاگ، مصوب در نشست ژوئن ۱۹۹۳ شورای اروپایی	منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا

1. See: Schichen, 2015: 3.
2. See: Manners, 2002.

اگرچه منرز انتشار اطلاعات (Informational Diffusion) را به عنوان نتیجه ارتباطات راهبردی و اعلانی می‌داند، با این حال، اتحادیه اروپا از شیوه‌های دیگری نیز برای انتشار هنجارها از جمله تحریم استفاده کرده است. می‌توان چهار نوع انتشار هنجارها را در نظر گرفت: اقناع (Persuasion)، ادغام (Integration)، دست‌ورزی (Manipulation) و اجبار (Coercion). اقناع بر نوعی نیروی ناب و خالص بحث و استدلال استوار است. به این معنا که دیگران از برتری ایده‌های خاص با مواضع سیاسی یاد می‌گیرند و یا متقاعد می‌شوند. گفتگوهای سیاسی از قبیل گفتگوهای حقوق بشری میان ایران و اتحادیه اروپا نمونه بارز این نوع انتشار هنجار است. ادغام نیز تفاوت اساسی با اقناع ندارد، زیرا انتشار هنجار همچنان امری غیراجباری است، با این حال، در این خصوص تاکید بر ادغام نیست، بلکه بیشتر وارد ساختن دیگران به یک ساختار مشترک است؛ ساختاری که در آن کنشگران با پذیرش برخی هنجارهای خاص به یک عضو کامل تبدیل می‌شوند.

این نوع انتشار هنجاری در مورد فرایند گسترش اتحادیه اروپا در دهه ۹۰ و تا حد کمتری در ساسیت همسایگی اروپا (European Neighborhood Policy (ENP)) مورد استفاده قرار گرفته است. دست‌ورزی نوع سوم انتشار هنجارهاست که متضمن مشوق‌ها یا محرک‌های منفی یا مثبت برای به‌کارگیری هنجارهای معین است. موارد مشخص آن نیز ارائه پاداش در قالب امتیازهای تجاری است، درست همانند آنچه که توسط اتحادیه در مذاکره‌های هسته‌ای داده می‌شود و یا تهدید به پیامدهای منفی در قالب تحریم است. به یک معنا، به‌کارگیری و اجرای هنجارها توسط یک طرف سوم نتیجه محاسبه هزینه و فایده است. معمولاً، مذاکره‌های دیپلماتیک اساس رویکرد دست‌ورزی را تشکیل می‌دهد. اجبار نیز در واقع اعمال و تحمیل هنجارها به دیگران است یا از طریق کنترل یک سرزمین خاص و یا استفاده از نیروی نظامی.

در این رویکرد، برخلاف سایر انواع انتشار هنجارها، به همکاری بازیگر هدف، نیازی نیست. مثال‌های این نوع از انتشار هنجارها، قدرت‌های استعمارگر در مستعمرات خود یا اشغال نظامی یک کشور دیگر است.^۱ در مجموع، می‌توان گفت که مفهوم اولیه قدرت هنجاری توانایی شکل دادن

1. See: Kienzle, 2012: 82.

به مفاهیم هنجاری در روابط بین‌الملل اشاره دارد. یکی از ایرادها به مفهوم اروپا قدرت هنجاری این است که آنچه به عنوان هنجارهای خوب از جانب اتحادیه اروپا تعریف می‌شود، به حوزه موسع حقوق بشر یعنی دموکراسی و حاکمیت قانون محدود می‌شود، درحالی که سایر حوزه‌ها از جمله امنیت بین‌الملل نادیده گرفته می‌شود.

مبانی حقوق بشری در پیمان‌های اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا دارای یک مبنای حقوقی ملموس برای حمایت از حقوق بشر است و پیمان‌های موسس اتحادیه اروپا نیز در ابعاد مختلف به موضوع حقوق بشر ارجاع‌های متعددی دارند. به عنوان نمونه، ماده ۲ پیمان موسس اتحادیه اروپا (Treaty on the European Union) به این موضوع اشاره می‌کند که اتحادیه اروپا بر اساس ارزش‌هایی همچون رعایت حقوق بشر شکل گرفته است. ماده ۶ پیمان اتحادیه اروپا، یک بند بسیار مهم حقوق بشری است که به لحاظ حقوقی جایگاهی الزام‌آور به منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا (EU Charter of Fundamental Rights) بخشیده است، پیوستن اتحادیه اروپا به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (European Convention of Human Rights) را الزام‌آور ساخته است و به صراحت به حقوق بنیادین به عنوان اصول کلی حقوق اتحادیه اروپا اشاره می‌کند. ماده ۲ و ماده ۶ پیمان اتحادیه اروپا در مجموع به ماهیت بنیادی و فراگیر حقوق بشر در قوانین اتحادیه اروپا اشاره می‌کنند.^۱

در واقع، ارزش‌های بنیادین اتحادیه اروپا کرامت انسانی، آزادی، دموکراسی، برابری، حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشر از جمله حقوق افراد متعلق به اقلیت‌ها است. در ماده ۳ پیمان اتحادیه اروپا نیز اهداف اتحادیه اروپا مورد اشاره قرار گرفته است. در این ماده آمده است: «اتحادیه اروپا در روابط خود با کنشگران دیگر به دنبال ریشه‌کن ساختن فقر و حمایت از حقوق بشر، به ویژه حقوق کودکان و همچنین بسط حقوق بین‌الملل و رعایت منشور سازمان ملل است». در ماده ۲۱ پیمان موسس اتحادیه اروپا نیز به مبانی الهام‌بخش اقدام خارجی اتحادیه اروپا اشاره شده است. این مبانی عبارت است از: «دموکراسی، حاکمیت قانون، جهان‌شمول بودن و تفکیک‌ناپذیر بودن حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، احترام به کرامت انسانی، برابری و احترام به مبانی منشور سازمان

1. See: Velluti, 2016: 43.

ملل و حقوق بین‌الملل.» (European Parliament: 2018: 1) همچنین در پیمان لیسبون (۲۰۰۷) نیز بر رعایت حقوق بشر در درون اتحادیه اروپا و پیشبرد و تحکیم حقوق بشر در روابط خارجی اتحادیه اروپا تاکید شده است.^۱

شورای اروپایی (European Council) نیز در سال ۲۰۱۲ چارچوب راهبردی حقوق بشر و دموکراسی (Strategic Framework on Human Rights and Democracy) را به تصویب رساند و برای اجرای آن یک طرح اقدام (Action Plan) تدوین کرد. در این چارچوب راهبردی، اهداف، مبانی و اولویت‌ها برای بهبود کارایی سیاست‌های اتحادیه اروپا برای ده سال آینده تدوین شده است. فدریکا موگرینی (Federica Mogherini) نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی و سیاست امنیتی نیز ۱۰ نوامبر ۲۰۱۸ در روز حقوق بشر و در هفتادمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر در بیانه‌ای به این موضوع اشاره می‌کند که اتحادیه اروپا همچنان یکی از حامیان جامعه مدنی و بزرگ‌ترین کمک‌کننده مالی به سازمان‌های جامعه مدنی است. وی ضمن تاکید مجدد بر حمایت اتحادیه از نظام حقوق بشر چندجانبه، خواستار رعایت استانداردهای حقوق بشری در تمام جهان توسط شرکای اتحادیه اروپا و همچنین بهبود وضعیت حقوق بشر در داخل اتحادیه اروپا و سرتاسر جهان شد.^۲ در مجموع، می‌توان گفت کشورهای اروپایی با توجه به تحولات اروپا و داشتن تجربه‌های منفی در خصوص آزادی بیان و آزادی مذهب در دوران قرون وسطی، جنگ‌های سی ساله مذهبی و همچنین پشت‌سر گذاشتن دو جنگ جهانی در قرن بیستم، از ابتدای روند همگرایی اروپایی به دنبال گنجاندن بندهای حقوق بشری در تمام اسناد اروپایی بوده است.

ابزارها و سازوکارهای حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا برای ارتقای جهانی وضعیت حقوق بشر، مجموعه گسترده‌ای از ابزارهای حقوقی و سیاست‌گذاری‌ها را در دستور کار خود قرار داده است. چارچوب راهبردی و طرح اقدام حقوق بشر و دموکراسی اتحادیه اروپا اساس اقدام خارجی اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر است. همچنین طرح اقدام جدید که در جولای ۲۰۱۵ توسط شورای امور خارجی برای دوره زمانی ۲۰۱۹

1. See: Council of the European Union, 2019.

2. See: Council of the European Union, 2018.

- ۲۰۱۵ به تصویب رسید، حقوق بشر را کانون اصلی برنامه‌های اتحادیه اروپا قرار می‌دهد و بر محوریت حقوق بشر در روابط خارجی اتحادیه اروپا تاکید کرده است. این طرح اقدام در کنار چارچوب راهبردی و مجموعه دیگری از اسناد، و دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا در موضوع‌های حقوق بشری، برنامه‌های اتحادیه اروپا را در حوزه دموکراسی و حقوق بشر تشکیل می‌دهد. از سال ۱۹۹۸ به این سو، یازده مجموعه دستورالعمل به تصویب اتحادیه رسیده است که برخی از آنها پیش از تصویب چارچوب راهبردی بوده است و برخی دیگر پس از طرح اقدام (۲۰۱۲) بوده است.^۱ دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا در حوزه حقوق بشر اگرچه به لحاظ حقوقی الزام‌آور نیست، اما توصیه‌هایی کاربردی را برای نمایندگی‌های اتحادیه اروپا در سرتاسر جهان مطرح ساخته است. این موارد عبارت است از:

- اقدام در برابر مجازات مرگ
- انجام گفتگو در مورد موضوع‌های مرتبط با حقوق بشر
- حمایت از حقوق کودکان
- اقدام علیه شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه
- محافظت از کودکان در منازعه‌های مسلحانه
- محافظت از مدافعان حقوق بشر
- رعایت حقوق بشر بین‌الملل
- مبارزه با خشونت بر ضد زنان و دختران
- ارتقای آزادی بیان و مذهب
- حفاظت از آزادی بیان.^۲

این دستورالعمل‌ها، چارچوبی برای اقدام‌های اتحادیه اروپا برای ارتقای حقوق بشر و حمایت از حقوق بشر در روابط خارجی است. هدف از این دستورالعمل‌ها، فراهم ساختن ابزارهای عملیاتی برای اتحادیه اروپا در تماس با کشورهای ثالث است. در واقع، اهداف این دستورالعمل‌ها را می‌توان در این موارد خلاصه کرد: ۱. پایان دادن به نقض حقوق بشر و جلوگیری از نقض حقوق بشر در آینده. ۲. مبارزه با مصونیت ناقضین حقوق بشر. ۳. حمایت از قربانیان حقوق بشر.

1. See: Wouters and Hermez, 2016: 4.

2. See: European Parliament, 2018: 2.

اتحادیه اروپا همچنین برای تحقق این اهداف، کشورهای ثالث را به پذیرفتن ابزارهای حقوق بشری منطقه‌ای و بین‌المللی تشویق می‌کند. این دستورالعمل‌ها دربرگیرنده ضمایم گسترده‌ای از هنجارها و استانداردها و اصولی است که اتحادیه اروپا در روابط خود با کشورهای ثالث مورد توجه قرار می‌دهد. این دستورالعمل‌ها به طور کلی به حقوق بین‌الملل مرتبط با حقوق بشر اشاره و ارجاع‌های مختلفی دارند. در نتیجه، چارچوب هنجاری مورد اشاره این دستورالعمل‌ها بسیار متنوع و گسترده است. یکی از سازوکارهای حمایتی اتحادیه اروپا در حوزه حقوق بشر، سازوکار تحریم است که در ماده ۷ پیمان اتحادیه اروپا مورد توجه قرار گرفته است.^۱ چارچوب راهبردی حقوق بشر و دموکراسی نیز با هدف کارآمد و منسجم ساختن سیاست‌های اتحادیه اروپا در حوزه حقوق بشر در سال ۲۰۱۲ تدوین شد. همچنین طرح اقدام حقوق بشر و دموکراسی^۲ (۲۰۲۰-۲۰۱۵) یک مبنای پذیرفته شده برای افزایش تلاش‌های واقعی مشترک میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا و نهادهای اروپایی فراهم می‌کند. همچنین در سال ۲۰۱۲ نخستین نماینده ویژه اتحادیه اروپا در حوزه حقوق بشر تعیین شد. (European Union, ۲۰۱۸)

سیاست خارجی اتحادیه اروپا و موضوع حقوق بشر

اتحادیه اروپا در روابط خارجی خود نیز موضوع حقوق بشر و دموکراسی را مورد توجه قرار می‌دهد. این اتحادیه به دنبال ترویج برخی هنجارهای خاص در سیاست بین‌الملل از قبیل چند-جانبه‌گرایی، نظام بین‌الملل قاعده محور و رعایت حقوق بشر است. همچنین شکل‌گیری سیاست خارجی و امنیتی مشترک (Common Foreign and Security Policy) در اوایل دهه ۱۹۹۰ نیز به تلاش‌های اروپا برای ترویج هنجارهای خود کمک کرده است. اسناد دیگری از قبیل راهبرد امنیتی اروپا (European Security Strategy) نیز جایگاه حقوق بشر در روابط خارجی اتحادیه اروپا را تقویت کرده است. همچنان که پیش از این اشاره شد بروکسل در سال ۲۰۱۲ چارچوب راهبردی حقوق بشر و دموکراسی اتحادیه اروپا را با هدف پیگیری حقوق بشر در روابط خارجی اتحادیه تصویب کرد. در مطالعه رفتار اتحادیه اروپا به عنوان یک کنشگر بین‌المللی، می‌توان این

1. See: Yazgan, 2017:54.

2. Action Plan on Human Rights and Democracy

جایگاه حقوق بشر در سیاست خارجی اتحادیه اروپا / ثمودی ۸۳

موضوع را مشاهده کرد که انتشار هنجار و پیشبرد قدرت هنجاری با یکدیگر مرتبط هستند. افزون بر این، مفهوم اروپایی قدرت هنجاری، رکن اصلی پژوهش‌های مرتبط با سیاست خارجی اتحادیه اروپا است.

می‌توان گفت مهم‌ترین ابزارهای اتحادیه اروپا در موضوع حقوق بشر در سیاست خارجی راهبردهای مشترک، مواضع مشترک، اقدام‌های مشترک، بیانیه‌ها، خط‌مشی‌ها و گفتگو با کشورهای ثالث است. منشور حقوق بنیادین (Charter of Fundamental Rights) و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (European Convention on Human Rights) نیز از سایر ابزارهای مورد استفاده اتحادیه در روابط خارجی است. در ماده ۲۱ پیمان موسس اتحادیه اروپا نیز مبانی کلی حوزه حقوق بشر برای به‌کارگیری در روابط خارجی اتحادیه اروپا مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین آژانس حقوق بنیادین (Fundamental Rights Agency) نیز یکی از نهادهای مسئول در حوزه حقوق بشر است که در سال ۲۰۰۷ تشکیل شد. اتحادیه اروپا به طور مستمر موضوع حقوق بشر را در گفتگوهای سیاسی خود با سازمان‌های منطقه‌ای و کشورهای ثالث مورد توجه قرار می‌دهد و گفتگوهای حقوق بشری را با بیش از چهل کشور برگزار می‌کند. ۷۹ دولت آفریقایی، پاسفیک و حوزه دریای کارائیب بر اساس ماده ۸ موافقتنامه کوتونو (Cotonou Agreement) با اتحادیه اروپا گفتگوی حقوق بشری دارند.^۱

اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۵ تصمیم گرفت تا یک بند حقوق بشری را در تمام موافقت‌نامه‌های همکاری با کشورهای غیرعضو اتحادیه بگنجانند و اجرای این موافقت‌نامه را به رعایت حقوق بشر، دموکراسی و حکمرانی خوب مشروط کند. گنجاندن بندهای حقوق بشری در موافقت‌نامه‌های تجارت دوجانبه و مجموعه‌ای از معیارهای حقوق بشری در نظام عمومی ترجیحات بخشی از این اقدام‌هاست. همچنین انتشار دستورالعمل‌های مرتبط با حقوق بشر، دیپلماسی دوجانبه و چندجانبه و ابزارهای کمک مالی و فنی از دیگر ابزارهای اتحادیه محسوب می‌شود. می‌توان گفت هدف اتحادیه اروپا، تشویق شرکای خود به ارتقای سطح حقوق بشر، استانداردهای کاری، حکمرانی خوب و محیط زیست از طریق تجارت است. این بندهای حقوق بشری و سایر ابزارهای اتحادیه اروپا در حوزه حقوق بشر، در چارچوب راهبردی و طرح اقدام متناظر برای حقوق بشر و

1. See: European Parliament, 2018: 2.

دمکراسی^۱ گنجانده شده است. این چارچوب تدوین شده، نقشه‌راهی است برای گنجاندن حقوق بشر در تمام اقدام‌های خارجی اتحادیه بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه استثنا و متعهد ساختن اتحادیه برای در نظر گرفتن وضعیت حقوق بشر در کشورهای ثالث به هنگام امضای موافقت‌نامه‌های تجاری یا سرمایه‌گذاری.^۲ همچنان‌که اشاره شد در موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه میان اتحادیه اروپا با کشورهای ثالث و یا سازمان‌های منطقه‌ای، یک بند حقوق بشری وجود دارد که در آن رعایت حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. در مواردی که حقوق بشر رعایت نمی‌شود، تدابیر مختلفی همچون کاهش یا تعلیق همکاری‌ها در نظر گرفته شده است. همچنین برای پیوستن کشورهای متقاضی به اتحادیه اروپا، سازوکارهای مشروط‌سازی در نظر گرفته شده است.

در سال‌های اخیر همواره این موضوع مطرح می‌شود که رسیدن به سود اقتصادی از طریق تجارت بر اهداف سیاست خارجی هنجاری اروپا غلبه دارد. همچنین دولت‌های ضعیف‌تر و کوچک‌تر در مقایسه با دولت‌های قوی‌تر و ثروتمندتر بیشتر با تحریم‌های اتحادیه اروپا مواجه می‌شوند. به عنوان مثال، منافع امنیتی دلیل عدم اجرای بند حقوق بشر در روابط با نیجریه، اتیوپی و کنیا است، زیرا این کشورها، شرکای مهم غرب در مبارزه با تروریسم هستند و نقش مهمی در حفظ صلح در مناطق خود ایفا می‌کنند.^۳ اگرچه گنجاندن شرط حقوق بشر در توافق‌نامه‌های تجاری بیانگر اهمیت حقوق بشر برای اتحادیه اروپا است و به عنوان نمونه در مواد ۹، ۹۶ و ۹۷ توافق‌نامه کوتونو رعایت حقوق بشر و دمکراسی مورد تأکید قرار گرفته است، اما هم‌اکنون وجود برخی ادعاها مبنی بر گزینشی عمل کردن اتحادیه اروپا ممکن است مشروعیت مبنای سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا را زیر سوال ببرد و اگر چنانچه به اصطلاح لفاظی‌های اتحادیه با کنش‌های همساز و سازگار نباشد، بی‌تردید اتحادیه اروپا به نوعی ریاکاری در این حوزه متهم می‌شود، زیرا این کنشگر تا حد زیادی بر مشروعیت کنش‌های خود وابسته است.

پیشینه روابط ایران و اتحادیه اروپا

با پایان جنگ ایران و عراق، جمهوری اسلامی ایران درصدد بازسازی داخلی و تقویت روابط

1. Strategic Framework and Corresponding Action Plan for Human Rights and Democracy

2. See: Velluti, 2016: 41-42.

3. See: Dohlie Saltnes, 2018:167.

خارجی خود برآمد. اگرچه تهران احساس ناخوشایندی از برخی کشورهای اروپایی داشت که در دوره جنگ از حکومت صدام حمایت‌های سیاسی، تسلیحاتی و اطلاعاتی به عمل آورده بودند، اما با این حال خواستار تقویت رابطه خود با اروپا بود. جمهوری اسلامی ایران از این امر اطلاع داشت که با وجود فشارهای ایالات متحده، دولت‌های اروپایی تا حدودی موضع مستقل دارند و خواستار تعامل با ایران - و نه انزوای تهران - هستند. از سوی دیگر، با پایان جنگ تحمیلی که در آن بیشتر کشورهای اروپایی از رژیم صدام حمایت کرده بودند، این کشورها سیاست جدیدی را در قبال جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفتند، زیرا چشم‌پوشی از ایران به عنوان یک بازیگر مهم در منطقه غرب آسیا هم به لحاظ اقتصادی و هم ژئوپلتیکی برای کشورهای اروپایی دشوار بود. کشورهای اروپایی پس از زمان اندکی از تدوین سیاست خارجی و امنیتی مشترک در پیمان ماستریخت در اجلاس ادینبورگ (دسامبر ۱۹۹۲) تصمیم گرفتند تا به اصطلاح یخ دیپلماتیک روابط را بشکنند و مناسبات رسمی خود را با جمهوری اسلامی ایران آغاز کنند. در واقع، پس از پایان جنگ خلیج فارس، نگاه اتحادیه اروپا به ویژه سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه به ایران تغییر کرد و کشورهای اروپایی نگاهی مثبت به اهمیت و جایگاه ایران در منطقه پیدا کردند.

در سال ۲۰۰۲ پس از آن که اعلام شد ایران تاسیسات اتمی مخفیانه دارد، رویکرد اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران به تدریج تغییر یافت. از آن زمان به بعد، برنامه هسته‌ای ایران به اولویت اصلی اتحادیه اروپا تبدیل شد و پیشرفت در موضوع‌های دیگر از جمله موافقتنامه تجارت و همکاری نیز به پیشرفت در موضوع هسته‌ای مشروط شد. پس از روی کار آمدن آقای محمود احمدی نژاد و در دستور کار قرار گرفتن سیاست خارجی تهاجمی در حوزه‌ها و موضوع‌های مختلف از جمله رویکرد ایران به رژیم صهیونیستی و برنامه هسته‌ای، روابط ایران و اتحادیه اروپا با تنش‌های مختلفی رو به رو شد. برای نخستین بار در این دوره بود که کشورهای اروپایی از تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده حمایت کردند و حتی خود این کشورها نیز تدابیری تنبیهی و فراتر از تحریم‌های سازمان ملل بر ضد جمهوری اسلامی ایران به کار گرفتند. با روی کار آمدن آقای حسن روحانی در ایران و امضای توافق برجام، روابط تهران-بروکسل دچار تغییرات قابل توجهی شد و زمینه برای بهبود روابط دوجانبه فراهم شد. البته باید به این موضوع نیز اشاره کرد که با امضای برجام در سال ۲۰۱۵، تنها یکی از چهار حوزه اختلافی میان ایران و غرب تا حدودی حل و فصل شد، اما روابط در سایر حوزه‌ها همچنان با دشواری‌های قابل توجهی رو به رو بوده است.

در خصوص روابط میان ایران و اتحادیه اروپا می‌توان به این موضوع اشاره کرد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دو مجموعه عوامل تسریع‌کننده و عوامل منع‌کننده در تقویت یا تضعیف روابط دو طرف اثرگذار بوده است. مولفه‌های تسریع‌کننده به بافت‌ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی اشاره می‌کند که می‌تواند موجب افزایش مناسبات میان دو طرف شود. مولفه‌های فرهنگی و انرژی از جمله این مولفه‌ها محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، مطالعه سیاست خارجی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که موضوع‌هایی همچون دموکراسی و حقوق بشر همواره تحت تاثیر ملاحظه‌های اقتصادی و امنیتی قرار دارد. به عنوان مثال، امضای شراکت راهبردی میان اتحادیه اروپا با کشورهای همچون روسیه و چین با وجود نبود تناسب ارزش‌های آن‌ها با معیارهای اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که موضوع‌هایی همچون حقوق بشر و دموکراسی از اهمیت جانبی برخوردار هستند.^۱ موضوع تروریسم، مناقشه اعراب و اسرائیل، حقوق بشر و برنامه هسته‌ای نیز در سال‌های اخیر از مولفه‌هایی بوده‌اند که مانع گسترش روابط تهران و بروکسل شده‌اند. مولفه‌های منع‌کننده در واقع موانع و متغیرهای سیاسی-امنیتی هستند که مانع توسعه روابط دو طرف می‌شوند. بی‌تردید، در سال‌های اخیر مهم‌ترین موضوع مورد اختلاف میان تهران و بروکسل برنامه هسته‌ای ایران بوده است و این موضوع سایر موضوع‌ها همچون مخالفت ایران با فرایند صلح میان اعراب و اسرائیل و موضوع تروریسم را تا حدودی به حاشیه برده است. موضوع مهم دیگر در روابط دو طرف مسائل مرتبط با حقوق بشر است که از زمان پیروزی انقلاب ایران بارها موجب بروز تنش در روابط تهران و بروکسل شده است.

سیاست‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال ایران

موضوع حقوق بشر همواره از اولویت‌های اتحادیه اروپا در روابط خود با جمهوری اسلامی ایران بوده است. رفتار و عملکرد کشورهای اروپایی در حوزه حقوق بشر این امر را القا می‌کند که اروپا به طور سنتی مدافع ارزش‌های حقوق بشری در مقیاس جهانی است. این نقش را می‌توان به ویژه در سال‌های اخیر در تشویق و یا اجبار کشورهای دیگر به خصوص دولت‌های طرف معامله با اروپا پررنگ‌تر دید. می‌توان گفت غیر از برخی موارد استثنائی خاص، اتحادیه اروپا همواره موتور محرکه

1. See: Dadandish, 2012: 70.

تهیه پیش‌نویس، گردآوری امضا و بسیج امکانات جهت تصویب قطعنامه‌های حقوق بشری بر ضد ایران در کمیسیون حقوق بشر، کمیته سوم مجمع عمومی و خود مجمع عمومی بوده است. به طور کلی، حوزه آزادی مطبوعات، آزادی بیان، آزادی مذهب و رعایت حقوق زندانیان از جمله مهم‌ترین چالش‌های ایران و اروپا در حوزه حقوق بشر بوده است. سیاست‌های اتحادیه اروپا در قبال ایران در حوزه حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون را می‌توان به پنج دوره زمانی تقسیم کرد: گفتگوهای انتقادی (۱۹۹۲-۱۹۹۷)، دوره گفتگوهای جامع (۱۹۹۸-۲۰۰۲)، دوره گفتگوهای چند وجهی (۲۰۰۲-۲۰۰۴)، دوره‌ای که گفتگوی خاصی (۲۰۰۴-۲۰۱۵) در آن صورت نگرفته است و بیشتر شاهد صدور قطعنامه‌هایی از سوی شورا و پارلمان اروپا و انتقاد از وضعیت حقوق بشر در ایران بوده‌ایم و همچنین دوره پس از امضای توافق برجام تا کنون. در سال ۲۰۰۲، نقطه عطفی در روابط تهران - بروکسل به وجود آمد. اگر چه در این دوره نیز گفتگوهای جامع جریان داشت، اما دو فرایند دیگر نیز هم‌زمان در جریان بود: نخست، موافقتنامه تجارت و همکاری و دیگری، ایجاد گفتگوهای ویژه در حوزه حقوق بشر. در حقیقت، آغاز مذاکره‌ها در خصوص موافقتنامه تجارت و همکاری (Trade and Cooperation Agreement) در پایان سال ۲۰۰۲ گامی مهم برای ارتقای سطح روابط و مشوقی اثرگذار در راستای توافق در مورد موضوع‌های مرتبط با حقوق بشر بود.

به طور کلی، اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۰۳ گفتگو با ایران در موضوع حقوق بشر را از طریق سه ساز و کار پیگیری می‌کرد: نخست، در چارچوب گفتگوهای جامع. دوم، از طریق انجام مذاکره و گفتگو در حوزه حقوق بشر و سوم، از طریق مذاکره‌های مربوط به موافقتنامه تجارت و همکاری. در این مذاکره‌ها، فصل‌هایی به حکمرانی خوب و شرط حقوق بشر اختصاص یافته بود، اما در سال ۲۰۰۴ شرایط به مرور تغییر یافت. به عنوان مثال، در بیانیه پایانی شورای اروپا در مورد وضعیت گفتگوها در حوزه حقوق بشر با ایران انتقادهایی مطرح شد: «ارزیابی‌های انجام شده در خصوص موضوع‌های مورد علاقه و اولویت‌دار اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که با وجود علائم مثبت در برخی حوزه‌ها، از زمان شروع گفتگوها در دسامبر ۲۰۰۲ پیشرفت اندکی در حوزه حقوق بشر صورت گرفته است.» (General Affairs and External Relations, 2004) همچنین روند حمایت دولت‌های عضو اتحادیه اروپا از صدور قطعنامه بر ضد ایران در حوزه حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سال ۲۰۰۴ به این سو شدت بیشتری گرفت. از سال ۲۰۰۵ به این سو که اتحادیه اروپا نخستین بیانیه انتقادی خود در چارچوب سیاست خارجی و امنیتی مشترک را منتشر کرد،

تعداد بیانیه‌هایی که در آن نقض حقوق بشر در ایران محکوم شده، رو به افزایش گذاشته است. به عنوان نمونه، تعداد این بیانیه در سال ۲۰۰۸ به ۱۷ مورد رسید. دسامبر ۲۰۰۳ آخرین نشست در چارچوب گفتگوهای جامع برگزار شد و جمهوری اسلامی ایران در ژوئن ۲۰۰۴ برای آخرین بار در گفتگوهای مرتبط با حقوق بشر شرکت کرد.^۱

در سال‌های گذشته پارلمان اروپا نیز قطعنامه‌های مختلفی را در حوزه حقوق بشر بر ضد تهران منتشر کرده است. به عنوان مثال، پارلمان اروپا در بیانیه خود در مارس ۲۰۱۴ ضمن استقبال از توافق موقت ژنو میان ایران و ۵+۱ خواستار تعامل سازنده دو طرف برای رسیدن به یک موافقتنامه جامع شد. در این بیانیه آمده است: «پارلمان اروپا بر این امر تاکید دارد که هیچگاه جایگزین دیگری برای یک راه حل مسالمت‌آمیز وجود ندارد؛ راه‌حلی که نگرانی‌های جامعه بین‌الملل را در خصوص ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران، حساسیت‌های بین‌المللی و همچنین حساسیت‌های امنیتی ایران مورد توجه قرار دهد.» (Kienzle, 2012: 86-87) در این بیانیه، موضوع‌ها و حوزه‌های مختلفی در خصوص روابط آتی ایران و اتحادیه اروپا، موضوع‌های منطقه‌ای و حقوق بشر مورد اشاره قرار گرفته است. در این بیانیه، اقدام‌های انجام شده توسط دولت ایران در حوزه حقوق بشر ناکافی تلقی و از تهران خواسته شده بود تا تلاش بیشتری در این حوزه از خود نشان دهد. در بخش بعدی برخی از موارد مطرح شده در این قطعنامه مورد اشاره قرار می‌گیرد. به طور خلاصه می‌توان گفت گفتگوهای حقوق بشری میان ایران و اتحادیه اروپا تا پیش از افشای برنامه هسته‌ای در سال ۲۰۰۲، در چارچوب کلی گفتگوهای انتقادی و گفتگوهای سازنده انجام می‌شد و پس از امضای برجام در سال ۲۰۱۵ نیز موضوع حقوق بشر در درون گفتگوهای سیاسی پیگیری می‌شود و تلاش اتحادیه اروپا برای حفظ توافق هسته‌ای موجب شده است تا موضوع حقوق بشر چندان در دستور کار بروکسل قرار نگیرد.

گفتگوهای انتقادی؛ تلاش برای کاهش تنش‌ها

گفتگوهای انتقادی با ایران در اجلاس شورای اروپا در ادینبورگ (۱۹۹۲) آغاز شد. در این دوره، نشست‌های میان تروئیکای اروپا و مقام‌های ایران برگزار می‌شد و گفتگوها چهار حوزه حقوق بشر،

1. See: Kienzle, 2012: 86-87.

تروریسم، ثبات منطقه‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی را در بر می‌گرفت. در واقع، این گفتگوها تلاش‌های ابتدایی اتحادیه اروپا برای مقابله با سیاست‌های آمریکا مبنی بر انزوای کامل دولت ایران بود. هدف اتحادیه اروپا از آغاز گفتگوهای انتقادی ارسال این پیام به ایران بود که بروکسل سیاست‌های تهران در زمینه حقوق بشر را تحمل نخواهد کرد.^۱ اتحادیه اروپا در این دوره از مشوق‌های اقتصادی یا تهدید به تحریم استفاده نمی‌کرد. اگر چه تعلیق گفتگوهای انتقادی و خروج سفرای اروپایی در سال ۱۹۹۷ پس از صدور حکم دادگاه میکونوس، آشکارا نوعی تحریم سیاسی محسوب می‌شد، اما پس از صدور حکم این دادگاه نیز منطق اقناع همچنان در دستور کار اتحادیه قرار داشت. هدف اتحادیه اروپا در آغاز گفتگوهای انتقادی، تایید نگرانی‌های آمریکا به طور اصولی و در عین حال، ارتقای روابط با ایران بود. نمایندگان نهادهای مختلف اروپایی بر این باور بودند که تعامل بیشتر با ایران، تهران را به متعادل ساختن سیاست‌های خود تشویق می‌کند.

در عمل، این رویکرد بیشتر در حوزه همکاری تجاری و اقتصادی کارآمد بود، اما نتوانست بر سیاست‌های ایران در زمینه فرایند صلح خاورمیانه و یا نقض حقوق بشر اثرگذار باشد. با وجود تعلیق گفتگوهای انتقادی و خروج سفرای اروپایی از ایران پس از حکم دادگاه میکونوس در آلمان، ساز و کارهای دست‌ورزی به شکل تحریم‌های سیاسی توسط اتحادیه مورد استفاده قرار گرفت. البته در مقام عمل، این رویکرد در حوزه همکاری تجاری و اقتصادی و نه در زمینه حقوق بشر کارآمدی خود را نشان داد.^۲ در این گفتگوها سه محور اساسی مورد تاکید اتحادیه قرار داشت: نخست، حمایت نکردن ایران از تروریسم، بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران و لغو فتوای قتل سلمان رشدی. این گفتگوها در سال ۱۹۷۷ و پس از صدور حکم دادگاه برلین و اتهام به مقام‌های ایرانی برای قتل ناراضیان گُرد در سال ۱۹۹۲ در برلین به حالت تعلیق درآمد.

گفتگوهای سازنده؛ تلاش برای ارتقای سطح روابط

با به قدرت رسیدن آقای سید محمد خاتمی گفتگوهای انتقادی به تعامل جامع و گفتگوهای سازنده تغییر یافت. پس از پیروزی ایشان برگی نوین در سیاست خارجی ایران گشوده شد و مناسبات

1. See: Mousavian, 2008: 191.

2. See: Osiewicz, 2018: 154.

ایران و اتحادیه اروپا نیز افزایش یافت و تنش در روابط تهران- بروکسل کاهش یافت. این تنش‌زدایی با توجه به حوادث پاریس (ترور شاپور بختیار) و برلین (رستوران میکونوس) اقدامی ضروری به نظر می‌رسید. سیاست تنش‌زدایی دولت اصلاحات موجب گسترش فزاینده روابط تهران- بروکسل شد. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر نیز مقام‌های اروپایی بر این باور بودند که رفتار و عملکرد ایران قابل قبول بوده است. به عنوان مثال، معاون نخست‌وزیر انگلیس در واکنش به اتهام‌های دولت بوش بر ضد ایران اعلام کرد: «ما شریک آمریکایی‌ها در مشکلات آنها هستیم، اما بر این باوریم که بهترین گزینه برای حل و فصل مشکلات با ایران، مذاکره است.» (Bakhtiari and Hossein Nia Salimi, 2013: 179) دولت‌های اروپایی همچنین از ادعاهای آمریکا مبنی بر اینکه ایران به اعضای القاعده پناه داده حمایت نکردند و سازمان مجاهدین خلق را در فهرست گروه‌های تروریستی خود قرار دادند. هر چند اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۸ نام این گروه را از فهرست خود حذف کرد.

گفتگوهای سازنده چهار حوزه را در بر می‌گرفت: ارتقای دموکراسی، بهبود وضعیت حقوق بشر، همکاری نکردن با سازمان‌های تروریستی و توقف فعالیت در حوزه گسترش سلاح‌های کشتار جمعی. در حقیقت، اتحادیه اروپا درصدد بود در صورت همکاری تهران با بروکسل در این چهار حوزه، رابطه تجاری خود را با انعقاد یک موافقتنامه تجارت و همکاری ارتقا دهد. می‌توان گفت ایران و اتحادیه اروپا هر دو از گفتگوهای سازنده سود می‌بردند. ایران می‌توانست با تعامل با اتحادیه اروپا، از اتحادیه به عنوان عامل توازن‌بخش در برابر آمریکا استفاده کند و اتحادیه نیز می‌توانست ادعا کند توانسته است بدون تهدید به استفاده از زور و یا ضرورت استفاده از زور ایران را در موضوع هسته‌ای و سایر موضوع‌ها در مسیر درست قرار دهد. با این حال، این گفتگوها با آغاز بحران هسته‌ای در سال ۲۰۰۲ متوقف شد.

با وجود انجام گفتگوهای حقوق بشری میان تهران و بروکسل، اتحادیه اروپا چندان نمی‌خواست تا ایران را به خاطر سیاست‌های حقوق بشری تهاجمی مبتنی بر منطق دست‌ورزی از خود دور کند. اتحادیه به دنبال ارتقای منافع تجاری خود در حوزه گاز و نفت و همچنان حضور راهبردی در کشوری بود که آمریکا اجازه چنین کاری را نمی‌داد. به همین خاطر نیز در سال ۱۹۹۸ گروه‌های کاری با ایران در حوزه انرژی و سرمایه‌گذاری و تجارت و برگزاری نشست در حوزه مبارزه با مواد مخدر تشکیل شد. با این حال در سال ۲۰۰۴، گزارش شورای اتحادیه اروپا در مورد پیشرفت

جایگاه حقوق بشر در سیاست خارجی اتحادیه اروپا / ثمودی ۹۱

در موضوع‌های حقوق بشری ایران، لحنی انتقادی داشت. به همین دلیل دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در پایان سال ۲۰۰۴ از قطعنامه حقوق بشری بر ضد ایران در مجمع عمومی سازمان ملل حمایت کردند.

در مجموع، می‌توان گفت تا پیش از افزایش تنش‌ها بر سر برنامه هسته‌ای ایران، درحالی‌که آمریکا سیاست مهار و انزوای ایران را در پیش گرفته بود، سیاست انتخابی اتحادیه اروپا، تعامل سازنده بود. بروکسل در این چارچوب گفتگوهای سیاسی را با ایران در پیش گرفت و برای رسیدن به موافقت‌نامه تجارت و همکاری در حال مذاکره با ایران بود که به دلیل موضوع غنی‌سازی اورانیوم متوقف شد.^۱ گفتگوهای حقوق بشری میان ایران و اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۰۴ ادامه یافت و اتحادیه اروپا گسترش روابط با ایران را مشروط به همکاری تهران در چهار حوزه کرد: افزایش همکاری در حوزه حقوق بشر، مخالفت نکردن با فرایند به اصطلاح صلح میان اعراب و اسرائیل، توقف فعالیت در حوزه گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و حمایت نکردن از گروه‌های تروریستی.

دوگانه امنیت و حقوق بشر در روابط تهران و بروکسل

در بخش‌های قبلی اشاره شد که شروع سیاست‌های منسجم اتحادیه اروپا در قبال ایران به اوایل دهه ۱۹۹۰ باز می‌گردد که در آن گفتگوهای انتقادی با تهران آغاز شد. در واقع، از آن زمان تا کنون دو موضوع سیاسی روابط تهران با بروکسل را تحت تاثیر قرار داده است: نخست، حقوق بشر و دوم، گسترش سلاح‌های هسته‌ای. اگرچه با مطرح شدن برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۲، موضوع‌های حقوق بشری تحت‌الشعاع برنامه هسته‌ای ایران قرار گرفته است. مطرح شدن فعالیت‌های هسته‌ای ایران در آگوست ۲۰۰۲ موجب شد تا روابط میان ایران و اتحادیه اروپا بار دیگر به تدریج دچار تنش شود. اگر چه تعداد بیانیه‌های اتحادیه اروپا در محکومیت وضعیت حقوق بشر در این دوره افزایش یافت، اما اتحادیه از تدوین و اجرای تدابیر شدید خودداری کرد. این امر به ویژه پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران (ژوئن ۲۰۰۹) به خوبی قابل مشاهده است. حتی پس از بازداشت کارمندان ایرانی سفارت‌خانه‌های دولت‌های اروپایی در ایران، واکنش اتحادیه اروپا بسیار محتاطانه بود. در بیانیه‌های منتشر شده از سوی اتحادیه اگرچه اعمال خشونت بر ضد

1. See: Portela, 2015: 7.

معترضان و دستگیری کارمندان ایرانی سفارت‌خانه‌های اروپایی محکوم می‌شد، اما هیچ اقدامی فراتر از صدور بیانیه صورت نمی‌پذیرفت. البته اتحادیه اروپا تا پیش از امضای برجام در سال ۲۰۱۵، از تدابیر محدودکننده در حوزه نقض حقوق بشر در ایران نیز استفاده می‌کرد. مهم‌ترین تدابیر، توقیف دارایی و ممنوعیت صدور روادید برای افرادی بود که از نظر مقام‌های اروپایی مسئول نقض حقوق بشر در ایران بودند. همچنین، کشورهای اروپایی توافق کردند تا به هیچ شرکت اروپایی اجازه ندهند تجهیزات مورد استفاده برای سرکوب داخلی و تجهیزات مورد نیاز برای کنترل ارتباطات را به ایران صادر کنند.^۱ اتحادیه اروپا همچنین ۱۲ آوریل ۲۰۱۸ تدابیر محدودکننده خود در واکنش به نقض جدی حقوق بشر در ایران را تا ۳ آوریل ۲۰۱۹ تمدید کرد. این تدابیر عبارت بود از: اعمال ممنوعیت سفر و مسدود ساختن دارایی‌های ۸۲ فرد و یک نهاد؛ و ممنوعیت صادرات تجهیزاتی به ایران که ممکن است در سرکوب داخلی و کنترل ارتباطات مورد استفاده قرار بگیرد.^۲

در واقع، واکنش اتحادیه اروپا به حوادث انتخابات ایران تحت تاثیر مشارکت این اتحادیه با برنامه هسته‌ای ایران قرار داشت. این بدان معناست که برای اتحادیه اروپا موضوع‌های امنیتی بر ملاحظه‌های حقوق بشری اولویت دارد. پس از انتخابات سال ۲۰۰۹، اتحادیه اروپا برای به دست آوردن نتایج ملموس در مذاکره‌های هسته‌ای، از زیر سوال بردن صریح نتایج انتخابات طفره رفت. اگرچه برخی رهبران اتحادیه در ابتدا نسبت به نتایج انتخابات، به صراحت انتقاد می‌کردند، اما همگی به اتفاق در نهایت نتایج دو فاکتوی انتخابات را پذیرفتند.

پس از امضای توافق برجام میان جمهوری اسلامی ایران و قدرت‌های بزرگ و غیرامنیتی شدن برنامه هسته‌ای، تنش در روابط میان تهران و بروکسل نیز کاهش یافت. اتحادیه اروپا این انتظار را داشت که اجرای برجام بتواند بر برخی از سیاست‌های داخلی و خارجی ایران اثر بگذارد. به عنوان مثال، ایران و اتحادیه اروپا ۲۶ نوامبر ۲۰۱۸ در بروکسل چهارمین نشست گفتگوهای سیاسی سطح بالا را برگزار کردند. در این گفتگوها موضوع‌هایی همچون انرژی، محیط زیست، فرهنگ و موضوع‌های منطقه‌ای همچون عراق، سوریه، یمن مورد بررسی قرار گرفت. همچنین مذاکره‌هایی در خصوص حقوق بشر انجام شد که در واقع بخش مهمی از گفتگوهای سیاسی دو طرف بود. (EEAS, 2018) در راهبرد جهانی اتحادیه اروپا که در سال ۲۰۱۶ و تنها اندکی پس از خروج

1. See: Osiewicz, 2018: 157.

2. See: Council of the European Union, 2018.

بریتانیا از اتحادیه منتشر شد، به این موضوع اشاره شده است که «اتحادیه اروپا با استفاده از توافق اتمی با ایران، به تدریج در حوزه‌های مختلفی از جمله تجارت، پژوهش، محیط‌زیست، انرژی، مقابله با قاچاق، مهاجرت و تغییرات اجتماعی وارد تعامل با تهران خواهد شد. اتحادیه همچنین گفتگوها با ایران و کشورهای خلیج فارس را با هدف حل و فصل ستیزه‌های منطقه، حقوق بشر و مبارزه با تروریسم افزایش خواهد داد.» (EU Global Strategy, 2016: 35)

با وجود این تحولات و افزایش تعاملات سیاسی میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا، این انتظارات اروپایی‌ها برآورده نشده است، زیرا بروکسل معتقد است که شرایط حقوق بشر در ایران بدتر شده است.^۱ به عنوان نمونه، در گزارش سالانه اتحادیه اروپا در مورد وضعیت حقوق بشر و دموکراسی در جهان به این موضوع اشاره شده است که وضعیت حقوق بشر در ایران در سال ۲۰۱۷ همچنان نگران‌کننده است. در بخشی از این گزارش آمده است: «اگرچه اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر تحول مناسبی است که می‌تواند اجرای حکم اعدام را به طور قابل توجهی کاهش دهد، با این حال اعمال محدودیت بر آزادی‌های مدنی همچنان ادامه یافته است و آزادی بیان یا آزادی مذهب و حقوق زنان و دختران نقض شده است.» (European Commission, 2018)

همچنان که اشاره شد در دو دهه گذشته، سیاست‌های اتحادیه اروپا در قبال ایران در دو موضوع پررنگ‌تر بوده است: منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و حقوق بشر. اتحادیه تلاش کرده است تا همزمان هنجارهای حقوق بشری و هنجارهای مد نظر خود در حوزه سلاح‌های کشتار جمعی را پیش ببرد. اتحادیه اروپا به عبارتی قدرت هنجاری است که به دنبال انتشار این دو هنجار در ایران بوده است. از سال ۲۰۰۲ تلاش برای انتشار دو مجموعه هنجار به رقابت هنجاری این دو مجموعه تبدیل شده است. هم هنجارهای حقوق بشری و هم هنجارهای منع گسترش هر دو عنصر کلیدی سیاست خارجی اروپا محسوب می‌شوند. اتحادیه اروپا در کشورهایی همچون ایران دو ساز و کار را به کار می‌گیرد: اقناع که به شکل گفتگو انجام می‌شود و دست‌ورزی و تصرف که در آن مجموعه از مذاکره‌ها، مشوق‌ها و تحریم‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴، رویکرد اقناع توسط اتحادیه اروپا با شکست مواجه شد. در نتیجه، اتحادیه اروپا به ساز و دست‌ورزی تغییر جهت داد تا بتواند سیاست‌های انتشار هنجارهای خود را تقویت کند.

اگرچه در اسناد متعدد اروپایی و یا سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا بارها به

1. See: Fathollah _ Nejad, 2018: 7.

موضوع حقوق بشر اشاره شده است، اما اتحادیه به گزینشی عمل کردن و استمرار نداشتن در اجرای این شرط متهم شده است. این انتقاد وجود دارد که اتحادیه اروپا در ابتدا منافع خود را در نظر می‌گیرد و اگر چنانچه اجرای هنجارهای مورد نظرش هزینه‌بر باشد، این هنجارها را نادیده می‌گیرد. افزون بر این، پندار از وجود استانداردهای دوگانه در سیاست‌های اتحادیه اروپا مورد توجه صاحب‌نظران بوده است. به باور بسیاری سیاست‌های اتحادیه اروپا در ارتقای حقوق بشر صرفاً لفاظی و با هدف پوشاندن نیت اصلی اتحادیه اروپا در تحقق منافع خود در قالب حقوق بشر است. همچنین وجود تبعیض در اعمال تحریم‌ها نیز مبنای مشروعیت سیاست خارجی اتحادیه اروپا را زیر سوال برده است. نکته مهم اینجاست که در سیاست‌های خارجی اتحادیه اروپا یک دوگانه میان منافع و ارزش‌های اتحادیه اروپا شکل گرفته است و در برخی مواقع در مواردی که منافع حیاتی اتحادیه اروپا در معرض خطر قرار دارد، موضوع حقوق بشر نادیده گرفته می‌شود.

منتقدان رویکرد اتحادیه اروپا بر این باورند که این کنشگر پس از امضای توافق هسته‌ای با ایران، تمایلی ندارد تا با اعمال فشار و یا تحریم‌های حقوق بشری، فرصت همکاری در حوزه‌های تجاری با ایران را از دست بدهد و در واقع نیت اصلی آن‌ها حفظ برجام به عنوان تنها نقطه مثبت در کارنامه سیاست خارجی این اتحادیه است. به عنوان مثال، اتحادیه اروپا پس از بروز ناامنی‌ها در اواخر سال ۲۰۱۷ (دیماه ۱۳۹۶) با گذشت چند روز از این ناآرامی‌ها، بیانیه‌ای در مورد موضوع‌های حقوق بشری صادر کرد. هر چند مقام‌های اروپایی به ویژه فدریکا موگرینی بارها اعلام کرده‌اند که توافق هسته‌ای با ایران زمینه را برای گفتگو در سایر حوزه‌های اختلافی از جمله حقوق بشر فراهم کرده است. منتقدان همچنین به این موضوع اشاره می‌کنند که واکنش اتحادیه اروپا به وضعیت حقوق بشر در ایران به اندازه واکنش‌های ایالات متحده قوی نیست. این امر خود ناشی از دو موضوع است: نخست، پایبندی ایران به اجرای تعهدات خود در چارچوب برجام و همچنین این واقعیت که اتحادیه اروپا ایران را به عنوان یک کنشگر مشروع در خاورمیانه به رسمیت شناخته است. این وضعیت موجب شده است تا حقوق بشر نیز در گفتگوهای سیاسی سطح بالا میان دو طرف گنجانده شود.

نتیجه‌گیری

روابط ایران و اروپا دارای یک تاریخ قدیمی است و دولت‌های عضو دارای روابط خاص خود با ایران هستند. اتحادیه اروپا در چهار دهه گذشته یکی از مهم‌ترین شرکای ایران به ویژه در حوزه اقتصادی بوده است. اگر چه در برخی مقاطع به ویژه پس از افزایش تنش‌ها بر سر برنامه هسته‌ای ایران، سطح روابط دو طرف به طور جدی کاهش یافته است. منافع اتحادیه اروپا در روابط با ایران را می‌توان در این موارد خلاصه کرد: حفظ ثبات در منطقه خلیج فارس که برای عرضه جهانی نفت و قیمت‌ها بسیار حیاتی است؛ حل و فصل ستیزه‌ها در خاورمیانه به ویژه با هدف ممانعت از سرریز پناهندگان به مرزهای اروپایی بر اثر بی‌ثباتی و یا وجود دولت‌های ورشکسته؛ متنوع ساختن عرضه انرژی با افزایش واردات انرژی از ایران و کاهش وابستگی انرژی به روسیه؛ و افزایش صادرات کالاهای صنعتی خود با گسترش روابط اقتصادی با ایران. با این حال، در سال‌های اخیر دو موضوع حقوق بشر و سلاح‌های کشتار جمعی مانع گسترش همه‌جانبه روابط دو طرف شده است.

ایران و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۲ بر اساس مبانی اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ گفتگوهای دوجانبه حقوق بشری را در سال ۲۰۰۲ آغاز کردند. روابط اتحادیه با ایران مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷، گفتگوهای انتقادی برگزار شد که موضوع‌های حقوق بشری نیز در این گفتگوها مورد مذاکره قرار می‌گرفت. پس از پایان بحران یک ساله دادگاه میکونوس، گفتگوهای جامع (۱۹۹۸-۲۰۰۲) آغاز شد. اگرچه موضوع حقوق بشر به مرور به مولفه‌ای مهم تبدیل شده بود، با این حال حوزه‌های همکاری و مورد علاقه دو طرف از جمله تمایل برای امضای موافقت‌نامه تجارت و همکاری در گفتگوها مورد توجه قرار می‌گرفت.

اما با مطرح شدن برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۲ نه تنها این موافقت‌نامه امضا نشد، بلکه اتحادیه اروپا به مرور به یکی از اصلی‌ترین تحریم‌کنندگان ایران تبدیل شد. هر چند در این دوره نیز موضوع حقوق بشر زیر سایه مسائل امنیتی مرتبط با برنامه هسته‌ای قرار گرفت. با این حال، پس از توافق ایران با قدرت‌های بزرگ در سال ۲۰۱۵ و امضای برجام تنش در روابط میان تهران و بروکسل

1. Universal Declaration of Human Rights
2. International Covenant on Civil and Political Rights

نیز کاهش یافت. با این حال، با خروج دولت آمریکا از برجام، کشورهای اروپایی همچنان به دنبال حفظ این توافق هستند و بار دیگر حقوق بشر به موضوعی حاشیه‌ای در روابط دو طرف تبدیل شده است.

اگر چه اتحادیه اروپا در سال‌های گذشته همواره از قطعنامه حقوق بشری بر ضد ایران که توسط کانادا مطرح می‌شود در مجمع عمومی سازمان ملل حمایت می‌کند، با این حال باید به این موضوع اشاره کرد که اثرگذاری و اعتبار رویکرد اتحادیه اروپا به حقوق بشر در سیاست‌های خارجی خود زیر سوال رفته است. زیرا این رویکرد و ابزار حقوق بشری نامتوازن و گزینشی بوده است و در دوگانه امنیت و حقوق بشر در روابط با سایر کنشگران به ویژه کنشگران قدرتمند، همواره اولویت با موضوع امنیت بوده است. در پایان باید به این موضوع نیز اشاره کرد که سیاست‌های اتحادیه اروپا در قبال ایران همواره به دو رویکرد اقتناع و دخل و تصرف محدود بوده است، زیرا اساساً ایران از منطقه جغرافیایی اروپا دور است و امکان ادغام در اتحادیه وجود ندارد و در خصوص گزینه اجبار نیز باید گفت که اتحادیه اروپا از توانمندی لازم برای اقدام نظامی برخوردار نیست.

منابع

الف- کتب و مقالات

1. Bakhtiari, M. J and Hossein Nia Salimi, F. (2013). "UK and EU-Iran Relations", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol.4, No.2, PP. 165-190.
2. Cottey, A. (2014). "The EU and Nuclear Non-Proliferation: Soft Power and the Bomb?", *Irish Studies in International Affairs*, Vol.25, PP. 89-100.
3. Dadandish, P. (2012). "Iran-Europe Relations: A Diagnostic Analysis", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 3, No. 1, PP. 57-88.
4. DeZutter, E. (2010). "Normative power spotting: An Ontological and Methodological Appraisal", *Journal of European Public Policy*, Vol. 17, No. 8, PP. 1106-1127.
5. DohlieSaltnes, J. (2018). "The European Union's Human Rights Policy: Is the EU's Use of Human Rights Clause Inconsistent?", *Global Affairs*, Vol. 4, No. 2-3, PP. 165-177.
6. Manners, I. (2002). "Normative Power Europe: A Contradiction In Terms?", *Journal Of Common Marker Studies*, Vol. 40, No. 2, PP. 235-258.
7. Mousavian, H. (2008). *Iran-Europe Relations, Challenges and Opportunities*. New York: Routledge.
8. Osiewicz, P. (2018). "EU - Iran Relations in the Post - JCPOA Period: Selected Political Aspects", *Adam Mickiewicz University* , pp. 153-163.
9. Velluti, S. (2016). "The Promotion and Integration of Human Rights in EU External Trade Relations", *Utrecht Journal of International and European Law*, Vol. 32, No. 82, PP. 41-68.
10. Yazgan, H. (2017). *European Union's Human Rights Policy: An Analysis for External Relations Perspective*. *Adam Akademi*, Vol. 7, No. 1, pp.51-67.

ب- وبسایتها

11. Council of the European Union. (2018, December 10). *Declaration by the High Representative Federica Mogherini on behalf of the EU on Human Rights Day*. Retrieved December 20, 2018, Available at: <https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2018/12/09/declaration-by-the-high-representative-federica>

- mogherini-on-behalf-of-the-eu-on-human-rights-day-10-december-2018/pdf.
12. Council of the European Union. (2019). *Protection and Promotion of Human Rights*. Retrieved January 2, 2019, Available at: <http://www.consilium.europa.eu/en/policies/human-rights/>.
 13. EU Global Strategy. (2016). *Shared Vision, Common Action: A Stronger Europe*. Retrieved November 12, 2018, from European Union. Available at: http://eeas.europa.eu/archives/docs/top_stories/pdf/eugs_review_web.pdf.
 14. European External Action Service. (2018). *EU and Iran Hold High Level Political Dialogue*. Retrieved December 11, 2018, Available at https://eeas.europa.eu/headquarters/headquarters-homepage/54494/eu-and-iran-hold-high-level-political-dialogue_en.
 15. European Parliament. (2014). *European Parliament Resolution on the EU Strategy Towards Iran*. Retrieved september 11, 2014, Available at: <http://www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?type=MOTION&reference=B7-2014-0279&language=EN>.
 16. European Parliament. (2018). *Human Rights*. Retrieved December 30, 2018, Available at: EuropeanParliament: <http://europal.europa.eu/factsheets/en>.
 17. European Union. (2018). *Council Extends by One Year Sanctions Responding to Serious Human Rights Violation*. Retrieved December 30, 2018, Available at: <https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2018/04/12/iran-council-extends-by-one-year-sanctions-responding-to-serious-human-rights-violation/pdf>
 18. European Union. (2018). *Human Rights*. Retrieved December 11, 2018, Available at: http://europa.eu/European-union/topics/human-rights_eu.
 19. European Union. (2018, May 28). *EU Annual Report on Human Rights and Democracy in the World*. Retrieved September 5, 2018, Available at: <https://www.consilium.europa.eu/media/35383/st09122-en18.pdf>.
 20. Fathollah-Nejad, A. (2018, October). *Europe and the Future of Iran Policy: Dealing with a Dual Crisis*. Retrieved October 29, 2018, from Brookings Doha Center. Available at: <https://www.brookings.edu/research/europe-and-the-future-of-iran-policy-dealing-with-a-dual-crisis/>.
 21. General Affairs and External Relations. (2004, October 11). *2609th Council Meeting: External Relations, 12770/04 (Presse 276)*. Retrieved June 11, 2013, Available at: http://file:///C:/Documents%20and%20Settings/as_210690037/My%20Documents/Downloads/PRES-04-276_EN.pdf.
 22. Kienzle, B. (2012, October). *Between Human Rights and Non-Proliferation: Norm Competition in the EU's Iran Policy*. Retrieved

November 11, 2018, from Institut Barcelona d'E Studis Internacionals (IBEI). Available at:

<https://revistas.ucm.es/index.php/UNIS/article/viewFile/40712/39032>.

23. Portela, C. (2015, July). *The EU's Evolving Responses to Nuclear Proliferation Crises: from Incentives to Sanctions*. Retrieved December 23, 2018, from EU Non-Proliferation Consortium. Available at: https://www.sipri.org/sites/default/files/EUNPC_no-46.pdf.
24. Wouters, J., & Hermez, M. (2016). *EU Guidelines on Human Rights as a Foreign Policy Instrument: An Assessment*. Retrieved November 10, 2018, from Institute for International Law. Available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2867374.

